

جلسه ۵۶ (۱) ۸۸/۱۰/۲۷

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۱۰) : لو قصد التفخيز مثلاً فدخل في احد الفرجين لم يبطل و لو قصد الادخال في احدهما فلم يتحقق كان مبطلا من حيث إنه نوى المفطر .

اگر شخصی قصد تفخیز داشته باشد و اشتباها دخولی صورت بگیرد روزه اش باطل نمی شود زیرا دخول و جماعی باعث بطلان صوم می شود که با قصد و عمد صورت بگیرد ، اما اگر قصد دخول کند ولی دخول صورت نگیرد طبق مبنای صاحب عروة روزه اش باطل می شود زیرا در اینجا مفطری را قصد کرده و همانطور که قبلاً گفتیم ایشان هم قصد قطع و هم قصد قاطع را مبطل صوم می داند .

(مسئله ۱۱) : اذا دخل الرجل بالخنثى قبلاً لم يبطل صومه و لا صومها و كذا لو دخل الخنثى بالانثى و لو دبرا ، اما لو وطئ الخنثى دبرا بطل صومها و لو دخل الرجل بالخنثى و دخلت الخنثى بالانثى بطل صوم الخنثى دونهما ، و لو وطئت كل من الخنثيين الاخرى لم يبطل صومها .

مسئله خنثی در بسیاری از جاهای فقه ما مطرح شده است و همچنین در اصول ما هم مطرح شده است زیرا گاهی شک در مکلف به است و گاهی شک در مکلف است و در رسائل و کفایه اقسام شک را اولاً به شک در تکلیف و ثانیاً شک در مکلف به و ثالثاً شک در خود مکلف مثل خنثی که معلوم نیست مکلف مرد است یا مکلف زن تقسیم کرده اند ، پس در بسیاری از جاهای فقه بحث مکلف که آیا مرد است یا زن مطرح می شود و احکام خاصی مترتب بر آن می شود البته بحث مبتنی بر این است که ما خنثی را طبیعت ثالثه ندانیم به این معنی که انسان سه قسم ندارد بلکه یا زن است و یا مرد و در واقع خنثی هم یا زن است و یا مرد منتهی بر ما امر مشتبه شده است و نمی دانیم که آیا مرد است که تکلیف مرد را داشته باشد و یا اینکه زن است که تکالیف زن را داشته باشد ، خلاصه صاحب عروة در مسئله ۱۱ می فرمایند که اگر رجل به قبل خنثی دخول کند نه روزه رجل و نه روزه خنثی هیچکدام باطل نمی شود زیرا خنثی هم فرج مرثه را دارد و هم آلت رجولیت دارد که اگر واقعاً مرد باشد در واقع یک شکاف و سوراخ اضافی در بدنش قرار دارد خوب حالا اگر مردی در قبل خنثی دخول کند و بعد شک کند که

آیا وطی و جماع محقق شده یانه در این صورت اگر آن خنثی واقعاً زن باشد جماع محقق شده ولی اگر آن خنثی واقعاً مرد باشد قبل او فقط یک شکاف و سوراخ اضافی در بدنش می باشد و داخل کردن آلت رجولیت در یک شکاف باعث جنابت و بطلان روزه نمی شود و اگر در اینجا شک هم کنیم اصل عدم تحقق مفطر می باشد . خوب حالا اگر خنثی به انثی قبلاً یا دبراً دخول کند بازهم روزه هیچکدام از آنها باطل نمی شود زیرا هرچند که خنثی آلت رجولیتش را به آن زن داخل کرده ولی امکان دارد که آن خنثی زن باشد که اگر واقعاً آن خنثی زن باشد یک گوشت اضافی را در قبل یا دبر آن زن داخل کرده و با ادخال یک تکه گوشت اضافه روزه باطل نمی شود . حالا اگر رجل خنثی را دبراً وطی کند روزه هر دوی آنها باطل می شود زیرا وطی رجل است و آلت رجولیتش را داخل در دبر خنثی کرده پس وطی صورت گرفته . حالا اگر رجل دخول به خنثی کند قبلاً و خنثی هم دخول به انثی کند قبلاً در این صورت روزه خنثی باطل می شود ولی روزه رجل و انثی باطل نمی شود زیرا آن مرد به قبل خنثی که معلوم نیست زن است تا قبلش فرج باشد و یا مرد است که قبلش یک شکافی باشد دخول کرده فلذا این مرد جنب نشده است و از طرفی هم خنثی آلت رجولیتش را به قبل انثی داخل کرده و آن انثی شک دارد و نمی داند این خنثی که آلتش را داخل کرد آیا مرد است که آلت ذکوریت باشد یا زن است که یک گوشت اضافی باشد و اگر یک گوشت اضافی به قبل زن داخل شود روزه اش باطل نمی شود ، بنابراین نه روزه مرد باطل است و نه روزه زن اما خود خنثی به خاطر اینکه هر دو آلتش را به کار رفته روزه اش باطل است ، به عبارت دیگر خنثی بالاخره یا مرد است و یا زن فلذا علم اجمالی حاصل می کنیم به اینکه خنثی جنب شده است زیرا هر دو آلتش به کار رفته که در این صورت اگر مرد باشد که خوب وطی کرده و اگر زن باشد وطی بر او واقع شده است . حالا اگر یک شخص خنثی به خنثای دیگر دخول کرد روزه هر دوی آنها صحیح است و باطل نمی شود زیرا معلوم نیست که آیا آن خنثی که دخول کرده مرد بوده تا با آلت رجولیتش دخول کرده باشد یا اینکه زن بوده که در این صورت یک گوشت اضافی را داخل به خنثای دیگر کرده است . صاحب عروة در بحث غسل جنابت فرموده اند : « والوطی فی دبر الخنثی موجب للجنابة دون قبلها إلا مع الانزال فيجب الغسل عليه دونها إلا أن تنزل هي أيضاً ، و لو أدخلت الخنثی فی الرجل أو الانثی مع عدم الانزال لا يجب الغسل علی الواطئ و لا علی

آغاز می شوند، خبر اول باب این است: «محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن صفوان، عن عبد الرحمن بن الحجاج قال: سألت ابا عبد الله (ع) عن الرجل یبعث باهله فی شهر رمضان حتی یمنی، قال: علیه من الکفارة مثل ما علی الذی یجامع». مردی با اهل خودش یبعث یعنی بازی می کند تا اینکه یمنی یعنی انزال منی می کند، ظاهر خبر این است که عن قصد این کار را انجام داده یعنی هر فعلی ظهور در این دارد که عن قصد و عن اختیار واقع شده است.

خبر دوم باب این خبر است: «و عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن حفص بن سوقة عن ذکره، عن ابی عبدالله (ع) فی الرجل یلاعب اهله أو جاریته و هو فی قضاء شهر رمضان فیسبقه الماء فینزل، قال: علیه من الکفارة مثل ما علی الذی جامع فی شهر رمضان». اگر چه در این خبر گفته شده که در قضای روزه رمضان این کار را کرده ولی فرقی ندارد و روزه اش باطل است.

خبر سوم باب این خبر است: «و باسناده عن موسی بن القاسم، عن صفوان، والحسن بن محبوب، عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن ابی عبدالله (ع) قال: سألته عن رجل یبعث بإمرأته حتی یمنی و هو محرم من غیر جماع أو یفعل ذلک فی شهر رمضان، فقال (ع): علیهما جمیعاً الکفارة مثل ما علی الذی یجامع». این روایت هم دلالت بر مسئله مانحن فیه دارد.

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

الموطوء، و إذا أدخل الرجل بالخنثی و الخنثی بالانثی و جب الغسل علی الخنثی دون الرجل و الانثی». این عبارت صاحب عروة در بحث جنابت مرتبط با بحث ما بود فلذا آن را خواندیم.

(مسئله ۱۲): إذا جامع نسیاناً أو من غیر اختیار ثم تذاکر أو ارتفع الجبر و جب الاخراج فوراً فإن تراخی بطل صومه.

اگر شخصی روزه بود و فراموش کرد که روزه است و نسیاناً جامع کرد و یا اینکه مجبور به جماع شد هر موقع که نسیانش از بین رفت و متوجه شد و یا اینکه جبرش مرتفع شد واجب است که فوراً از حالت جماع خارج شود و اگر تأخیر کند روزه اش باطل می شود زیرا دیگر مجبور و ناسی نیست و همانطور که جماع حدوداً موجب بطلان صوم است بقائاً هم باعث بطلان صوم می شود و در اینجا هم فرض بر این است که بقائاً اختیار بر جماع داشته است.

(مسئله ۱۳): إذا شک فی الدخول أو شک فی بلوغ مقدار الحشفة لم یبطل صومه.

اگر شک کرد که دخول صورت گرفته یا نه و یا اینکه شک کرد که به مقدار حشفه داخل شده یا نه روزه اش باطل نمی باشد زیرا هر موقع که شک کند اصل عدم دخول و اصل عدم بلوغ به حد حشفه می باشد، خوب مسائل مربوط به جماع که سومین از مفطرات بود با توفیق پروزدگوار تمام شد.

الرابع: من المفطرات الاستمناء، أي انزال المنی متعمداً بملامسة أو قبلة أو تفخیزاً أو تصویر صورة الواقعة أو تخیل صورة امرأة أو نحو ذلك من الافعال التي یقصد بها حصوله، فانه مبطل للصوم بجمیع افراده، و اما لو لم یکن قاصداً للانزال و سبقه المنی من دون ایجاد شیء مما یقتضیه لم یکن علیه شیء.

چهارم از مفطرات استمناء می باشد، استمناء یعنی انزال منی متعمداً و از باب استفعال می باشد که نوعاً به معنی طلب بکار می رود و در اینجا یعنی اینکه انسان خودش طلب کند که منی از او خارج شود حالا به هر وسیله ای که باشد فرقی نمی کند پس هر کاری را که وسیله برای انزال منی باشد نباید انجام دهد اما اگر قصد انزال نداشته باشد ولی سبقه المنی روزه اش باطل نمی شود.

روایاتی که مربوط به استمناء می باشند در باب ۴ از ابواب مایمسک عنه الصائم واقع شده اند که از ص ۲۴ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی

